

## تأثیر تحولات منطقه‌ای بر سیاست ایران و ترکیه در زمینه قومیت کردهای عراق

نورالدین آهی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران

### چکیده

یکی از بزرگترین گروه‌های جمعیتی خاورمیانه کردها می‌باشند که، امروزه در جنوب غربی آسیا و به طور عمده در داخل کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه و بخش کمی هم در جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی قرار دارند. در این میان کردستان عراق از موقعیت مرکزی تری نسبت به دیگر بخش‌های کردستان برخوردار می‌باشد و موقعیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. به همین دلیل برخی آن را «کردستان میانه» نیز می‌نامند. تغییر و تحولات در سطح جهان و در دنیای سیاست همیشه در حال رخ دادن می‌باشد. این تغییر و تحولات به همدیگر وابسته بوده و هر تغییر و تحولی که در یک گوشه از جهان اتفاق می‌افتد، بر تحولات سایر مناطق جهان اثر می‌گذارد. تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی مناطق کردنشین نیز عمدتاً به هم مرتبط بوده و بر همدیگر تأثیر گذاشته‌اند. روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق و ترکیه در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته است و از طرف دیگر موضوع‌های مربوط به سوریه، فعالیت احزاب و گروه‌هایی مانند پ.ک.ک، ارتباط و نزدیکی ترکیه و کردستان عراق با آمریکا، نفوذ اسرائیل در ترکیه، تلاش برای کسب استقلال کامل توسط کردهای عراق و... نیز از عوامل و مولفه‌ها منفی تأثیرگذار بر روابط ایران با ترکیه و کردستان عراق است. با توجه به مواضع و سیاست‌های ترکیه در منطقه و همچنین رویکردهای کردستان عراق در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد افزایش روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق با ترکیه باعث دوری این منطقه از ایران در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و در نتیجه به خطر افتادن مناقع ایران در منطقه خواهد شد. بنابراین؛ تحولات کردهای عراق در کردستان ایران بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی مردم کرد تأثیر گذاشته، در حالی که تأثیر آن بر مناطق کردنشین ترکیه بیشتر در جنبه‌های سیاسی و نظامی بوده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست، قومیت کردی، ایران، ترکیه، عراق.

## ۱- مقدمه

بین مسائل استراتژیک منطقه، قومیت کردها طی نیم قرن اخیر چالش اساسی پیش روی سیاست های کشورهای منطقه بوده است. نه تنها جهتگیری ناسیونالیستی محیط سیاسی بین الملل در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در رشد گرایش قومی در کردستان تأثیر بسیار داشت، بلکه بعد استراتژیک سیاست بین الملل عاملی بسیار مؤثر بود که موجب شکلگیری و توسعه حرکت های قومی میان کردهای منطقه شد. در واقع قومیت کردها بیش از سایر جنبش های قومی رنگ بین المللی به خود گرفت و درگیر شدن در قومیت کردها برای قدرت های خارجی منافع استراتژیک در برداشت؛ به همین دلیل از آغاز، قومیت کردستان در فضای منافع قدرت های خارجی تکامل یافت. کردها نیز در بسیاری موارد از این مداخلات استقبال کردند و گاه نیز مشوق قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای در این زمینه بودند در حال حاضر قومیت کردها یکی از مسائل مهم سیاسی در خاورمیانه به شمار می رود که ابعاد منطقه ای و فرمانطقه ای گسترده ای پیدا کرده است؛ به طوری که تحولات آن تأثیر زیادی بر مناطق کردنشین ترکیه، عراق، سوریه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران دارد.

## ۲- قومیت کردی

کردها با ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر، بزرگترین گروه قومی بدون کشور خود شان شناخته می شوند. کردها در کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه و ارمنستان زندگی می کنند. هرچند کردها با حس قومی "کردیت" با یکدیگر شریکند، اما به لحاظ ایدئولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و فردی دیدگاه های مختلفی نسبت به کشورهای خود و "کردستان" دارند. هویت، جامعه و سیاست کردی به شدت از پروژه های "دولت سازی" کشورهای که آنجا زندگی می کنند، متأثر است. در نتیجه، در حالی که بسیاری از کردهای ملی گرا خیال کردستان بزرگ و مستقل را در سر دارند، احزاب سیاسی کرد خواهان حقوق و خودمختاری بیشتر از سوی این کشورها هستند. در پایان جنگ جهانی اول، فاتحان جنگ به کردها وعده ایجاد یک کشور را دادند اما "معاهده سیورس" نهایتاً از سوی دولت ترکیه جدید که از خاکستر امپراتوری عثمانی برخاسته بود، منحل شد. در نتیجه ترکیه جوان با مقاومت رهبران مذهبی در مناطق کردنشین روبرو گردید که خواهان حفظ منافع محلی در برابر دولت مرکزی بودند. ترکیه از هنگام ایجاد جمهوری در سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸، هجده بار شاهد شورش بود که ۱۶ مورد آن از سوی کردها انجام گرفت. پس از سال ۱۹۳۸، ترکیه دیگر با شورش کردها مواجه نشد تا این که "حزب کارگران کردستان" موسوم به "پی. کا. کا" فعالیت خود را در سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. در حالی که ترکیه قادر بود ملی گرایی کردی را در درون خود، با جذب، همکاری، "تفرقه انداز و حکومت کن" و زور کنترل کند، با آن هم ترکیه نمی توانست چنین رفتاری را با دیگر کردها در خارج از مرزهای خود داشته باشد.

کردهای عراق بیش از همه پیشتاز ناسیونالیسم کردی بودند که در طی قرن بیست با دولت های مرکزی جنگید. پس از چند دهه جنگ، کردهای عراق در پی دو جنگ زیر رهبری ایالات متحده در عراق، توانستند تا یک "شبه دولت" را در شمال عراق تاسیس کنند. این منطقه دوبار به رهبری ایالات متحده، وارد جنگ شده است: یک بار با دولت صدام حسین و بار دیگر با دولت اسلامی یا داعش. "حکومت منطوقی کردستان" (KRG) بسیاری از ویژگی های یک دولت را دارند. با این همه، نهادهای "حکومت منطوقی کردستان" به دلیل رقابت های داخلی بر سر کنترل منابع، ضعیف و چند پارچه هستند. کردستان عراق به طور سنتی تحت نفوذ و تسلط "حزب دموکراتیک کردستان" (KDP) به رهبری رئیس جمهور مسعود بارزانی و "اتحاد میهنی کردستان" (PUK) قرار دارد. هر یک از این دو گروه، نیروهای جنگی خود را موسوم به "پیشمرگه" دارد. "حزب دموکراتیک کردستان" بر شهرهای اربیل و دهوک تسلط دارد در حالی که "اتحاد میهنی" و شاخه اصلاح طلب آن موسوم به "گوران" بر سلیمانیه کنترل دارد. این در حالی است که "اتحاد میهنی" به تنهایی حداقل به سه فراکسیون اصلی دیگر منشعب می شود.

## ۳- چرخش موضع ترکیه در قبال کردهای عراق

ترکیه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ با نگرانی به دستاوردها و پیروزی های کردهای عراقی چشم دوخته بود. این کشور نگران بود مبدا این اتفاقات بر اقلیت کردهای ترکیه تأثیر بگذارد. با این همه، تا سال ۲۰۰۷، موضع کردستان عراق و رهبر محبوب آن بارزانی از دشمنی و خصومت، به دوستی و اتحاد با ترکیه تغییر کرد. ترکیه توانست تا بر کردهای عراق، به ویژه از

طریق کمک های اقتصادی زیاد نفوذ پیدا کند. ترکیه توانایی ویتو و رد هرگونه پیشنهاد استقلال کردهای عراقی را دارد و توانسته است تا "حزب دموکراتیک کردستان" را در مقابل "حزب کارگران" (PKK) قرار دهد. با این حال، همه پرسای استقلال کردستان که در ماه سپتمبر سال گذشته انجام شد، سبب کشیدگی بین ترکیه و "حکومت منطوقی کردستان" گردید. ترکیه بر سر این مسئله توانست حمایت ایران و عراق را نیز با خود داشته باشد. "حزب دموکراتیک کردستان" و "حزب کارگران کردستان" رقیب ها اصلی بر سر رهبری جنبش ملی گرای می هستند. در مقابل، "اتحاد میهنی" و گوران، به "حزب کارگران" نزدیک هستند. این شبکه ائتلاف ها در سوریه نیز تا دوانده است. "حزب دموکراتیک کردستان" و ترکیه در مقابل شاخه مرتبط با "حزب کارگران"، "حزب اتحاد دموکراتیک" (PYD) و "واحد حفاظت مردمی" (YPG) قرار دارند. در مقابل "اتحاد میهنی" و گوران که نزدیکتر به ایران هستند، از "حزب اتحاد دموکراتیک" سوریه حمایت می کنند. سیاست کردهای عراق به دو شاخه جداگانه تقسیم شده است و این خط سیاسی هر کدام بر اساس نیروهای سیاسی منطقه، به ویژه ایران و ترکیه شکل گرفته است.

#### ۴- ترکیه و "حزب کارگران کردستان" (PKK)

سیاست امنیتی ترکیه به شدت از نظارت دقیق از "حزب کارگران کردستان" و هرگونه تحرکات کردها در منطقه متأثر است. از سال ۱۹۸۴ تاکنون، جنگ بین "حزب کارگران کردستان" و دولت ترکیه سبب بی جا شدن صدها هزار نفر و مرگ بیش از ۴۰ هزار تن گردیده است. این بحران باعث ایجاد شکاف فزاینده بین کردها، دولت ترکیه و جامعه شده است. تاکنون، حدود نیمی از نفوس ۱۵ میلیونی کردهای ترکیه به ویژه بخش مذهبی و عجین شده آن، به طور سنتی از حکومت ترکیه حمایت می کنند. "حزب کارگران کردستان" به رهبری عبدالله اوجلان، که زندانی است و پیروانش او را مانند یک فیلسوف و نظریه پرداز می بینند، فقط یک نیروی چریکی نیست؛ بلکه یک جنبش متغیر اجتماعی و سیاسی است که میلیون ها نفر هوادار و چندین سازمان پیشرو دارد. "حزب کارگران" چندین حزب جداگانه اما مرتبط، و همچنان بازوهای نظامی در چهار منطقه کردستان، و نیز حضور قوی در جمع کردهای خارج از منطقه یا مهاجر دارد. حزب کارگران کردستان طی دهه گذشته، خواست خود برای ایجاد کشور کردی را کنار گذاشته و حالا به احقاق حقوق فرهنگی، زبانی و سیاسی تمرکز دارد. "کارگران کردستان" برای "حقوق زنان، حقوق بشر، محیط زیست، نظام اشتراکی اجتماعی و خودمختاری دموکراتیک" تقلا می کنند. "خودمختاری دموکراتیک" نوعی از حکومتداری مردم است که به عنوان مدلی از حکومتداری در خاورمیانه مورد توجه قرار دارد. حزب دموکراتیک خلق (HDP) ترکیه هرچند که به لحاظ سازمانی مستقل است، با آن هم در پارلمان این کشور برای حقوق فرهنگی، زبانی و سیاسی از طریق تغییرات قانونی مبارزه می کند. این حزب حامی کردها، سومین حزب بزرگ ترکیه است. موقف سیاسی این حزب سبب شده است که مورد اتهام قرار بگیرد و از سوی مخالفان به عنوان بازوی قانونی حزب "کارگران کردستان" خوانده شود. از هنگام کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ در ترکیه، چندین عضو پارلمان از این حزب دستگیر شده اند و بیش از ۸۰ شهردار متعلق به این حزب برکنار و جای آنها هواداران حکومت گماشته شده اند. علاوه بر این، هزاران عضو "حزب دموکراتیک خلق" تاکنون دستگیر گردیده اند.

#### ۵- ظهور کردهای سوریه

کردهای سوریه محروم ترین افراد در جمعیت کردها محسوب می شوند. به طور تاریخی، آنها خاموش ترین نیز بوده اند. از دهه ۱۹۸۰ تا اواخر ۱۹۹۰، "حزب کارگران کردستان" با حمایت حافظ اسد، رئیس جمهور وقت سوریه بیرون سوریه و لبنان فعال بود. سوریه در سال ۱۹۹۸، پس از آن که ترکیه این کشور را تهدید به اشغال کرد، "حزب کارگران کردستان" را بیرون کرد. این مسئله سبب شد تا روابط بین انقره و دمشق گرم شود تا این که در سال ۲۰۱۱ جنگ داخلی در سوریه آغاز شد. با آغاز جنگ، ترکیه از چندین گروه شورشی حمایت کرد. ترکیه با این اقدام ابتدا خواستار برکناری بشار اسد بود و بعد کوشش کرد تا با این نیروها به مقابله با گروه های کرد سوریه بپردازد. "حزب اتحاد دموکراتیک" (PYD) سوریه و شاخه نظامی آن، "واحد حفاظت مردمی"، کردهای سوریه نه در کنار بشار اسد قرار گرفتند نه در کنار شورشیان اسلامگرا. در اصل، آنها به طور ضمنی همونا در جنگ علیه نیروهای جهادگرا به ویژه "دولت اسلامی" و گروه های تحت حمایت ترکیه، همونا با رژیم اسد قرار داشته

اند. کردهای سوریه توانسته اند تا به پیشرفت های قابل توجهی در جنگ برسند و یک منطقه خودمختار را از سال ۲۰۱۲ تاکنون در نزدیکی مرز ترکیه ایجاد کنند. رژیم اسد در این سال به طور استراتژیک از این منطقه بیرون شد. نگرانی اصلی ترکیه این است که با ارجحیت دادن جنگ علیه داعش، ایالات متحده به تقویت کردهای سوریه بپردازد. "حزب اتحاد دموکراتیک"، حزب مرتبط با "حزب کارگران کردستان" در سوریه است. ایالات متحده "کارگران کردستان" را یک سازمان تروریستی می داند اما حزب مرتبط با آن در سوریه را نه. به این حال، ترکیه هر دو سازمان را تروریستی می داند که این مسئله تنش اصلی بین واشنگتن و انقره را می سازد. ترکیه هراس دارد که دستاورد کردهای سوریه سبب تحریک کردهای ترکیه شود و به تقویت "حزب کارگران کردستان" و نهایتاً تفرقه قومی و مذهبی بینجامد. تلفیق قدرت نظامی، سیاسی و کنترل قلمرو، به کردهای سوریه این امکان را می دهد که در هر راه حل سیاسی دست بالا داشته باشند. به نظر می رسد خواست کردهای سوریه نیز به رسمیت شناختن حقوق کردها و تمرکززدایی قدرت است. ترکیه می خواهد تا مانع این کار در سوریه شود. با این همه، ترکیه با مخالفت با کردهای سوریه در واقع از نفوس کرد خود نیز دور می شود. این در حالی است که از هنگام شکست مذاکرات با "حزب کارگران کردستان" در سال ۲۰۱۵، خشونت در این کشور در حال گسترش است.

### ۶- قومیت کردها و سیاست بین الملل

شکل گیری جدی ناسیونالیسم کردی در سال های نخست قرن بیستم و در خلال تحولاتی سیاسی انجام گرفت که موجب اقتدار ترکهای جوان در امپراتوری عثمانی شد. سازمان های کرد که در این مرحله تشکیل شدند، بیشتر اهدافی فرهنگی داشتند، ولی شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و موج ناسیونالیسم گسترده ای که بخش های وسیعی از جهان را در آن برهه از زمان فرا گرفته بود، به این گرایش وجه سیاسی مشخصی بخشید و محافل کرد امپراتوری عثمانی در مقایسه با گذشته مترصد بهره برداری از فضای جدید جهانی بودند. بعد استراتژیک سیاست بین الملل نیز از عوامل بسیار مؤثری بود که به شکل گیری حرکت های قومی بین کردها انجامید. در واقع قومیت کردها بیش از سایر جنبش های قومی در خاورمیانه، رنگ بین المللی به خود گرفت. درگیر شدن در قومیت کردها برای نیروهای خارجی منافع استراتژیک در برداشت به همین دلیل از همان آغاز، قومیت کردها در فضای منافع خارجی تکامل یافت. کردها خود نیز در بسیاری موارد از این مداخلات استقبال می کردند و گاه مشوق نیروهای خارجی در این زمینه بودند. نقش عوامل بین المللی در منازعات قومی بسیار حایز اهمیت است. گرچه این موضوع در حوزه مباحث روابط بین الملل و مورد بی توجهی محققان قومیت و ناسیونالیسم قرار گرفته است، باید اذعان کرد درگیری و دخالت های بین المللی در ظهور و تداوم ناسیونالیسم جدایی طلب قومیت ها در خاورمیانه نقش داشته است. جاذبه های استراتژیک و اقتصادی خاورمیانه انگیزه مداخله گسترده و حضور قدرت های بزرگ در منطقه بوده است. این قدرتها با این فرض عمل کرده اند که خاورمیانه بیش از مناطق دیگر، منافع استراتژیک دارد؛ بر همین اساس جوامع خاورمیانه از آغاز عصر رخنه استعمار در معرض نفوذ خارجی قرار داشته اند. نفوذ خارجی در خاورمیانه در تحولاتی مانند شورش گروه های سیاسی کردی آشکار بوده است (روحی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

علاوه بر قلمرو اقدام سیاسی، بعد بین المللی ناسیونالیسم قومی را می توان در قلمرو اندیشه نیز بررسی کرد. در قلمرو اقدام سیاسی نقش دولت های خارجی، به ویژه قدرت های بزرگ از یک سو و دولت های رقیب منطقه ای از سوی دیگر، در پیشبرد و تشویق ناسیونالیسم قومی و کشمکش های قومی اهمیت دارد. در قلمرو اندیشه، در اوایل قرن بیستم یک فضای سیاسی بی نالمللی وجود داشت که در آن ایدئولوژی ناسیونالیسم و حق تعیین سرنوشت انگیزه هایی قوی برای بسیاری از گروه های اقلیت زبانی و مذهبی فراهم می ساخت. تحت تأثیر این محیط، رهبران گروه های قومی کرد نوعی هویت قومی مشخص تصور کردند و خود را مستحق برخورداری از موقعیت یک ملت با دولت خاص خود دانستند. بارزترین جلوه های این اندیشه عبارت بود از: نخست، مکتب ویلسونی خودگردانی گروه های اقلیت، که پس از جنگ جهانی اول مطرح شد؛ دوم، مفهوم مارکسیست لنینیستی ملیت و خودگردانی که لنین ارائه کرد. اگرچه اندیشه حق تعیین سرنوشت گروه های ملی پا به پای اندیشه ناسیونالیسم در قرن های هجدهم و نوزدهم گسترش یافت، زمانی اهمیت یافت که ویلسون، رئیس جمهور آمریکا، آن را در اصول چهارده گانه خود در جنگ جهانی اول مطرح کرد (روحی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

تشکل جدی جریان ناسیونالیسم کردی در سال های نخست قرن بیستم و در خلال تحولات سیاسی صورت گرفت که به اقتدار تر کهای جوان انجامید. به اعتقاد بروینسن، در این دوره همه رؤسای قبایل کرد عاری از احساس ملی نبودند، اما تا خلافت مصطفی کمال در ۱۹۲۴، موجی از شورشهای بیش و کم ملهم از احساسات ملی کردستان را فرانگرفت. شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و موج ناسیونالیستی گسترده ای که بخش های وسیعی از جهان را در آن مقطع فرا گرفته بود و شکلگیری تدریجی کشورهای جدید با انگیزه های ناسیونالیستی در اروپای شرقی، خاورمیانه و شمال آفریقا، که جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بودند، محافل و گروه های گرد امپراتوری عثمانی را تحت تأثیر قرار داد. عامل دیگری که در گرایش سیاسی محافل کرد کارساز واقع شد، زمینه چینی های استعمار انگلیس بود که کوشید از دشمنی ترک و عرب و کرد به سود خود بهره گیرد و از نیروی ناسیونالیسم برای منافع جنگی خود علیه امپراتوری عثمانی استفاده کند. در چنین فضای فکری سیاسی، خواست کردهای امپراتوری عثمانی به منظور تشکیل دولتی مستقل و منطقه ای خودمختار مطرح شد. اساساً آن جریان که به عنوان قومیت کردستان و خواست کردها مشهور شده در چنین فضایی شکل گرفته است. در این برهه سازمان های کردی که در امپراتوری عثمانی تأسیس شدند، مترصد بهره برداری از فضای جدید محیط بی ناملل برای تحقق اندیشه استقلال کرد بودند (روحی، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

## ۷- اثرات قومیت کردی عراق بر روابط ایران و ترکیه (۲۰۰۳ به بعد)

### ۷-۱- عوامل همگرایی در روابط کردهای ایران و عراق

#### ۷-۱-۱- داشتن مرزهای مشترک

دو کشور ایران و عراق در مسافتی حدود ۱۴۵۸ کیلومتر دارای مرز مشترک می باشند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن مرز مشترک آبی (اروند رود) می باشد و مابقی زمینی است. به ترتیب استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم مرز هستند. در این میان استان کرمانشاه دارای بیش از ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با منطقه کردستان عراق می باشد که این مرز مشترک نسبتاً طولانی سال های متمادی است که عامل اتصال این منطقه به ایران شده است و مبادلات تجاری و بازرگانی گسترده ای از این مرز و بازارچه های مرزی موجود در این منطقه مثل مرز قصر شیرین بین دو طرف صورت می گیرد و وجود این مرز مشترک به عامل مهمی برای پیوند این منطقه با مردمان مرز نشین ایران تبدیل شده است.

#### ۷-۱-۲- داشتن اشتراکات فرهنگی

موضوع کردها در عراق و ایران تفاوت های بنیادی دارند. همان گونه که تبار و تاریخ عراق با ایران بسیار متفاوت است. ارتباط کردهای عراق با ایران کاملاً متفاوت با ترکیه و سوریه است. جدا از اشتراکات دیرینه تاریخی و فرهنگی که آثار آن در برخی اسطوره ها و آئین ها (مانند نوروز) همچنان استوار باقی مانده است، حکومت های معاصر ایران نیز از دیرباز ارتباط خوبی با کردهای عراق داشته اند. حکومت پس از انقلاب نیز همین ارتباط را با دو حزب مهم کردی داشته است. کردها، مادها را نیاکان خود می دانند و مادها نخستین سلسله پادشاهی ایرانی بودند که از سال ۶۶۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند. واژه ایران نیز به معنی سرزمین آریاییان است و برپایه واقعیات تاریخی، کردها از جمله اقوام آریایی و ایرانی هستند و رخدادهای تاریخی که باعث جدایی بخش های زیادی از سرزمین های امپراتوری ایران شد سرزمین های کردنشین را نیز در بر گرفت؛ هر چند پس از روی کار آمدن صفویان در ایران و گسترش بیشتر مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی، قسمت هایی از کردستان سنی نشین به خلیفه عثمانی گرایش یافت ولی یکی از نتایج جنگ ۱۵۱۴ م. چالدران میان سپاه صفوی و عثمانیان جدایی بخش بزرگی از کردستان از ایران سرزمین مادری اش شد. رویدادهای پس از جنگ جهانی اول و برنامه تجزیه امپراتوری عثمانی و تاسیس شوراهای زیر سرپرستی انگلستان و فرانسه، برای کردهای خارج از مرزهای ایران چندان خوشایند نبود، چرا که غربی ها بر خلاف وعده هایی که هنگام پیمان سور برای تاسیس کشوری به نام کردستان داده بودند کردها در میان سه کشور نوظهور عراق، ترکیه و سوریه تقسیم کردند. در این پیمان ایجاد کشور مستقل ارمنستان و کردستان و کشورهای عرب مستقل مجاز شمره شده و تشکیل کشور عراق و سوریه پیش بینی شده بود ولی این وعده ها هرگز اجرا نشد. بسیاری از

کردهای ترکیه و عراق، هنوز هم پیمان سور را مظهر حقوق مشروع خود در زمینه خودگردانی می دانند. بدین ترتیب کردها تبدیل به اقلیتی نژادی در سه کشور نوظهور مذکور شدند. کشورهایی که فاصله بسیاری با معیارهای مردمسالاری داشتند و این مسئله در پایداری شدن آرزوهای این قوم آریایی تاثیر فراوانی داشت. بخش اعظمی از ذخایر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین قرار گرفته و همین موضوع بر اهمیت مسئله کردها افزوده است (کتابی، ۱۳۹۲، ۱۲).

## ۷-۲- عوامل واگرا در روابط کردهای ایران و عراق

### ۷-۲-۱- خودمختاری کردستان عراق

در دو دهه اخیر اقدامات عناصر تندرو کرد جهت تشکیل به اصطلاح کشور مستقل کردستان بزرگ (چهارپارچه) به یکی از عوامل مهم و نامطلوب در مناسبات دوجانبه ایران و کردستان عراق تبدیل شده است. این عناصر با تحریک احساسات مردم کرد اقلیم کردستان، آرمانهایی چون ملت کرد و دولت مستقل کردستان و کشور کردستان را مطرح کرده و در حال تبدیل آن به آرزوی مردم این مناطق می باشند. این عناصر با مطرح کردن واژه فارس - کرد، درصدد سوءاستفاده و بهره برداری سیاسی از آن بوده و تلاش می کنند برای خود هویتی جداگانه و مستقل بیافرینند، در صورتی که نه همه مردم ایران از نژاد فارس هستند - و فارس ها نیز مانند دیگر اقوام ایرانی یکی از اعضای خانواده بزرگ ایران زمین بوده اند - نه همه ساکنان اقلیم کردستان را کردها تشکیل می دهند و نه زیستگاه همه کردهای جهان، اقلیم کردستان عراق بوده است. مهمترین راهبرد ایران در قبال تحولات دو دهه اخیر عراق حفظ تمامیت ارضی این کشور بوده است. به باور ایران اگر حرکت کردها برای افزایش اختیارات حکومت اقلیم کردستان در راستای زمینه سازی برای خودمختاری کامل و سپس استقلال از عراق تف سیر شود در نتیجه این مسئله به سردی روابط اقلیم کردستان با ایران منجر می شود ولی چنانچه تلاش کردها برای افزایش اختیارات خود توأم با تلاش آنها برای حضور سازنده در دولت مرکزی عراق و در نتیجه تقویت وحدت ملی عراق شود این موضوع به گرمی روابط جمهوری اسلامی ایران با کردهای عراق خواهد انجامید (شرق، ۱۳۸۳: ۹).

### ۷-۲-۲- فعالیت گروه های مخالف ایران در منطقه کردستان عراق

مسئله مهم دیگر در مورد کردستان عراق به استفاده از خاک این منطقه توسط گروه های مخالف جمهوری اسلامی ایران مانند پژاک، کومله، زحمتکشان، دمکرات ایران و غیره برمی گردد. مسئله ای که بارها منجر به بروز ناامنی در مرزها و برخی شهرهای غربی ایران شده است. در این حوزه نیز چنانچه کردهای عراقی مانع استفاده از خاکشان توسط دشمنان ایران شوند در نتیجه خواهند توانست بر میزان اعتماد جمهوری اسلامی ایران بیفزایند و در نهایت روابط سازنده تر و مناسبات سیاسی گرم تری داشته باشند ولی بی توجهی آنان به این موضوع نتیجه عکس خواهد داد (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۷). البته از سوی دیگر حملات مکرر نظامی ایران بر علیه گروه پژاک در خاک کردستان عراق، مشکلاتی را برای منطقه اقلیم کردستان بوجود آورده است به طوری که پارلمان کردستان عراق در ۲۲ تیر ۱۳۹۰، رسماً اقدام ایران را محکوم نمود. (تلویزیون اتحادیه میهنی کردستان، ۲۲ تیر، ۱۳۹۰) همچنین این حملات موجب بدبینی مردم این مناطق نسبت به سیاستهای ایران گردیده است. (کانال ماهواره ای کرد سات، ۴ مرداد، ۱۳۹۰).

### ۸- دلایل گرایش قومیت کردی عراق برای برقراری رابطه با ترکیه

اقلیم کردستان عراق که تا چند سال پیش مهمترین اخبار در موردش مربوط به تلاش دو حزب اصلی آن (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی) برای اتحاد و حفظ خودمختاری بود و اخیراً اختلافات با دولت مرکزی این کشور و سهم خواهی از بودجه عراق هم به این اخبار اضافه شد، اکنون در اخبار رسانه های دنیا به عنوان میانجی گر در مسئله کردهای ترکیه، رایزن با گروه های دیگر عراقی و حامی کردهای سوریه معرفی می شود. لذا در این بخش به مولفه هایی پرداخته می شود که سیاست رهبران اقلیم را در رابطه با همسایه شمالی اش (ترکیه) مشخص می کند.

### ۸-۱- خروج از بن بست سیاسی

اگرچه در آغار دهه ۱۹۹۰ منطقه کردستان عراق به طور رسمی و با حمایت آمریکایی ها تشکیل شد اما به دلیل حضور صدام و حزب بعث در راس هرم قدرت عراق که همواره سیاست های پان عربیسم را دنبال می کرد و در مسائل قومی بشدت با کردها

اختلاف داشت، منطقه کردستان عراق و احزاب فعال در این منطقه نتوانستند چندان در عرصه سیاسی این کشور فعالیت قابل توجهی انجام دهند. اما پس از سقوط صدام و حزب بعث در سال ۲۰۰۳ شرایط در کشور عراق و به خصوص برای منطقه کردستان عراق تغییر یافت. (حق پناه، ۱۳۹۲: ۵۹) سقوط صدام در عراق همزمان شد با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه. این حزب که رجب طیب اردوغان و داود اغلو را در راس هرم قدرت و دستگاه دیپلماسی خود می دید بلافاصله سیاست تنش زدایی و برقراری رابطه با کشورهای همسایه را در دستور کاری سیاست های خود قرار داد، اما خیلی زود بر سر مسائل متعدد از قبیل مسائل سیاسی، مذهبی و شخصی با نوری مالکی نخست وزیر عراق دچار اختلاف شد و لذا رابطه دو کشور به سردی گرایید و از سوی دیگر مقامات کردستان عراق که از زیر سلطه و خودکامگی رژیم بعث نجات یافته بودند و شاهد یک حکومت دموکراتیک در عراق بودند امتیازات زیادی را از دولت مرکزی عراق برای افزایش استقلال و خود مختاری خود طلب کردند که این موضوع از سوی دولت مرکزی عراق مورد قبول واقع نشد. هرچند امتیازاتی به این منطقه داده شد اما این امتیازات نیز نتوانست خواسته های مقامات کردستان عراق را تامین کند و این موضوع ها باعث بروز اختلاف بین مقامات کردستان عراق با دولت مرکزی عراق شد تا جاییکه به دلیل عدم موافقت دولت مرکزی عراق با برخی خواسته های منطقه کردستان عراق از قبیل اجازه صادرات و واردات مستقیم برای منطقه کردستان به خارج از کشور، عقد مستقیم قرار دادهای نفتی با خارج، مسائل گمرکی، مرزی و ... در سال ۲۰۱۳ نمایندگان کردستان عراق در مجلس عراق و تعدادی از وزرای کرد کابینه نوری مالکی به نشانه اعتراض به عدم موافقت دولت مرکزی عراق با این تقاضاها برای مدت دو ماه مجلس و دولت عراق را ترک و در واقع تحریم کردند (حاجی میرخان، ۱۳۹۰: ۱۶). موارد یاد شده و فشار های وارده از سوی دولت مرکزی عراق به منطقه کردستان و تنگناهای سیاسی موجود در این منطقه و از طرفی اختلافات بوجود آمده بین دولت مرکزی عراق و ترکیه نوعی گرایش نزدیکی را بین کردستان عراق و ترکیه ایجاد کرد و مقامات کردستان عراق را واداشت تا برای برون رفت از وضعیت موجود و برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی عراق و در واقع خروج از بن بست های سیاسی موجود به سمت دولت ترکیه روی بیاورند و از طریق گسترش روابط با این کشور بتوانند به برخی اهداف و خواسته های خود دست یابند. لازم به ذکر است که کردستان عراق علیرغم داشتن مرز های مش ترک با ایران نتوانست نظر مقامات ایرانی را برای همراهی با خود مانند مقامات ترکیه جلب کند چون اولا حکومتی که در عراق تشکیل شده بود یک حکومت دموکراتیک شیعه بود که بعد از ۸۰ سال اختلافات اساسی با ایران می توانست به همه این مشکلات بین دو کشور خاتمه دهد و از طرفی هم رئیس جمهور عراق و هم نخست وزیر این کشور سال های متمادی را در ایران سپری کرده بودند و دارای روابط نزدیکی با مقامات ایرانی بودند و لذا دولت ایران حاضر نبود این موقعیت مناسب برای برقراری روابط حسنه و حل و فصل اختلافات با دولت مرکزی عراق را به بهای توجه نشان دادن به منطقه کردستان عراق بدون جلب نظر دولت مرکزی عراق از دست بدهد. از این رو مقامات کردستان عراق می دانستند که برای تامین خواسته های سیاسی خود نمی توانند چندان روی ایران حساب کنند و به همین دلیل برای رسیدن به خواسته های سیاسی خود و خروج از بن بست های سیاسی موجود گرایش بیشتری به سمت ترکیه پیدا کردند (محرابی، ۱۳۹۰، ۲۰۱).

#### ۸-۲- فشار بر حکومت مرکزی عراق جهت اعطای امتیازات

کردستان عراق همواره بر سر مسائل سیاسی و اقتصادی با دولت مرکزی عراق اختلاف داشته است به ویژه پس از کسب استقلال و تشکیل دولت و مجلس در منطقه کردستان عراق که با حمایت امریکا انجام گرفت این اختلافات بیشتر شد. منطقه کردستان عراق همواره خواهان افزایش امتیازات و خود مختاری و استقلال کامل بود و دولت مرکزی عراق همواره از این موضوع اجتناب و در صدد محدود کردن منطقه کردستان عراق بوده است. لذا منطقه کردستان عراق برای مقابله با اقدامات محدود کننده دولت مرکزی عراق و اعمال فشار بر آن تلاش کرد تا با دولت ترکیه که دارای اختلافات اساسی با دولت عراق است ارتباط برقرار کند و اقدامات سیاسی و اقتصادی خود را مستقل و بدون اجازه دولت مرکزی عراق انجام دهد تا بدین ترتیب بتواند بر دولت مرکزی عراق فشار وارد کند که در این زمینه می توان به انعقاد قراردادهای نفتی با ترکیه، روسیه و سایر شرکت

های نفتی بین المللی و دیدار های سیاسی با مسئولین بلند پایه سایر کشورها بدون اجازه دولت مرکزی عراق اشاره شد (بشیکچی، ۱۳۷۸: ۴۵).

### ۸-۳- بحران سوریه و حمایت از کردهای سوریه

یکی از رویدادهای مهم که معادلات منطقه را طی سه سال گذشته دستخوش دگرگونی کرده است بحران سوریه و در پی آن بحران کردهای این کشور است که به اقلیم کردستان فرصت تحرک سیاسی داد تا بتواند در این منطقه نقش بازی کند. نقشی که بارزانی به عهده گرفته و خواهان حمایت از ک ردهای سوریه برای ایجاد منطقه خودمختار شده، چندان با سیاست های ترکیه همسویی ندارد. زیرا به نظر می رسد همزمان با پیشرفت های داخلی و اقتصادی در اقلیم، این منطقه می تواند مستقل تر و مطمئن تر در عرصه سیاسی گام بردارد و اکنون مایل است کمی هم در سفر مسعود بارزانی به مسکو و : اردوگاه شرق یها حرکت کند. (پشنگ، ۱۳۹۲: ۱۱) امضای قرارداد نفتی را باید در همین راستا بررسی کرد که می توان آن را ب ه عنوان تلاش جهت ایجاد توازن سیاسی میان دو اردوگاه غرب و شرق ارزیابی کرد. بحران سوریه و آواره شدن بسیاری از کردهای این کشور در منطقه اقلیم، رقابتی را برای نقش پذیری در آینده سوریه میان ترکیه و کردستان به وجود آورده است. این در حالی است که ترک ها تا چندی پیش برای همراه کردن اقلیم با خود در موضوع سوریه تلاش می کردند. البته باید ارتباط با آمریکا را ب ه عنوان دوستی که خودمختاری را به اقلیم کردستان هدیه داد، به این مسئله افزود که این رابطه، گسترش روابط با کشورهای غربی را برای کردستان تسهیل کرده است. از آنجایی که جایگاه کردهای سوریه در مناطق شمالی ارتقا یافته و در حال بهره برداری از این وضع هستند، نقش بارزانی و حکومت اقلیم در اتحاد کردهای سوریه بسیار مهم بوده است. حکومت اقلیم چه با دعوت از احزاب کرد. سوری و چه با اعزام نماینده، سعی در بازسازی و سازماندهی کردهای سوریه دارد. به این ترتیب، مهمترین موضوع استراتژیک برای ترکیه در خاورمیانه مسئله کردهاست و ترکیه بشدت از شکل گیری حکومت اقلیمی دیگری در منطقه به ویژه در سوریه نگران است.

### ۹- دلایل گرایش ترکیه برای برقراری ارتباط با کردستان عراق

ترکیه که تا چندی پیش با هدف تمرکز قدرت و تشکیل دولت ملت جدید، با توسل به اهر مهیای مختلف سیاسی و اقتصادی یکی از عوامل اصلی بستر ساز واگرایی کردستان بوده است اینک با اتخاذ سیاستی متفاوت در پی ایجاد ارتباطی تنش زدا با اقلیم کردستان است.

#### ۹-۱- نیاز شدید به نفت کردستان عراق

ترکیه که به شدت برای تامین نیازهای انرژی خود به خارج از کشور متکی است، می خواهد برای متنوع سازی تامین کنندگان انرژی خود بخشی از نیازهایش را از طریق کردستان عراق تامین کند. آنکارا ثروت گاز و نفت کشورهای همسایه را به عنوان راهکاری برای رفع نیازهای فزاینده انرژی در کشور خود میداند. ترکیه منابع انرژی اندکی در اختیار دارد و همواره در پی : (پورخسروی، ۱۳۸۷، ۸۹). متنوع تر کردن اتکای کشورش به ایران و روسیه است و در این بین کردستان عراق از بیشترین قابلیت برخوردار است چرا که همین انگیزه نیز در کردستان عراق برای صادرات نفت به ترکیه وجود دارد.

#### ۹-۲- حل مسئله کردهای ترکیه

ترکیه این نکته را به خوبی م یداند که نم ی تواند از حقیقت خودمختار بودن کردستان غافل شود، بنابراین سعی کرده به اقلیم کردستان به عنوان یک دوست نزدیک شود تا اینکه از دور مراقب سیاست های آن باشد. البته ترکیه این سیاست را سال ها بعد از خودمختاری کردستان دنبال کرد و در سال های اول خودمختاری، اقلیم را تهدیدی برای امنیت خود و عامل تحریک جمعیت ۲۰ میلیونی کرد خود می دانست. به همین دلیل دیرتر از دیگر کشورها راضی شد که در اربیل کنسولگری دایر کند. دولت ترکیه در واکنش نسبت به دو چالش حضور کردهای مبارز پ.ک.ک. و نیز خودمختاری اقلیم ناگزیر از تغییر سیاست سنتی خود علیه کردها شده است. تورگوت اوزال در ۱۹۹۱ به عنوان رییس جمهور ترکیه سیاست تعدیل نسبت به کردها را اعلام کرد. و کاربرد عمومی زبان کردی را قانونی اعلام کرد، ملاقات با رهبران کرد عراقی را



به رسمیت شناخت و پیشنهاد عفو چریک‌های کرد را داد. با روی کار آمدن دولت اردوغان و نیز بالاگرفتن ناآرامی‌ها و تکامل خودگردانی شمال عراق و افزایش اقتدار بین‌کردها برای طرح خواست‌ها و نیز در راستای تامین نظرات اتحادیه اروپا در مورد کردها، دولت ترکیه دست به سلسله اصلاحات و اقدامات تعدیلی زد که از جمله آنها می‌توان به پایان دادن به حکومت نظامی در مناطق کردنشین و آغاز به کار رادیو و تلویزیون کردی در جنوب شرق ترکیه و کاربرد زبان کردی اشاره کرد. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱)

به این ترتیب، سیاست پایا ندادن به مخاصمات و تعدیل تاکتی‌ها از سوی دولت ترکیه نسبت به مسئله کردها، می‌تواند رابطه مستحکم‌تری را برای ترکیه با همسایگانش تضمین کند.

### ۹-۳- ممانعت از گرایش کردستان عراق به سمت ایران

عامل منطقه‌ای دیگری که به مسئله ارتباط ترکیه با کردستان جهت می‌دهد، تمایل شدید ترکیه به جلوگیری از گسترش روابط اربیل با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور است. ترک‌ها به خوبی می‌دانند مادامی که مسئله کرد و پ.ک.ک را حل نکنند آنها همواره در معرض آسیب‌پذیری از ناحیه کردها توسط رقبایشان در منطقه هستند. پیش از جنگ سرد حمایت‌های غیررسمی اتحاد جماهیر شوروی از پ.ک.ک همواره یکی از عوامل دخیل در سردی روابط میان آنکارا و مسکو بود. در دوره اخیر نیز علاوه بر روسیه، کشورهای دیگری از جمله ایران وجود دارند که قابلیت استفاده از برگ کردها برای تضعیف ترکیه را دارند (مجبی، ۱۳۹۲: ۷۳).

نفوذ ریشه‌دار اقتصادی، مالی، دینی و مذهبی ایران در عراق باعث شده ایران نقشی بسیار موثر در عراق ایفا کند. آنکارا دریافته است که در مقابل باید نفوذ خود را در میان کردها گسترش دهد. حضور اقتصادی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بسیار بالا است و روزبه‌روز نیز افزایش می‌یابد و اینها همه در کنارافزایش نفوذ سیاسی ترکیه در کردستان عراق است. ترکیه در عین حال دائماً کوه‌های قندیل (مرز ایران، ترکیه و عراق) را برای هدف قراردادن مواضع شورشیان پ.ک.ک بمباران می‌کند که نه تنها با سکوت اقلیم کردستان همراه است بلکه حتی گفته می‌شود که در این بمباران سازمان امنیت کردستان نیز با ترک‌ها همکاری می‌کند. اینها همه در حالی است که روابطی ۸۵ سنتی و تاریخی نیز میان ترکمن‌های عراق با ترکیه وجود دارد که همواره ابزاری برای نفوذ ترکیه در عراق بوده‌اند. ترکیه همواره از یکپارچگی عراق حمایت قاطع می‌کند. این دقیقاً همان چیزی است که ایران نیز از آن حمایت می‌کند. اما در عین حال به دنبال یک ابزار سیاسی برای امتیازگیری نیز هست. پناه دادن طارق الهاشمی در خاک خود و همچنین توافق به صادرات نفت عراق در حقیقت ابزاری است برای امتیازگیری هم از بغداد و هم از تمامی طرف‌های درگیر در عراق (داووداوغلو، ۱۳۹۲: ۳).

### ۱۰- روابط سیاسی اقتصادی قومیت کردی عراق با ترکیه و تأثیر آن بر منافع و سیاست خارجی ایران

همان‌طور که داود اوغلو استدلال می‌کند، مداخله ترکیه از شیلی تا اندونزی، از آفریقا تا آسیای مرکزی و از اتحادیه اروپا تا نشست کشورهای اسلامی، بخشی از راهبرد فراگیر در سیاست خارجی این کشور است. این ابتکار عمل‌ها با نزدیک شدن سال ۲۰۲۳ (یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه) زمینه را برای ترکیه جهت تبدیل شدن به مرکزی مهم در منطقه و تبدیل این کشور به یک بازیگر جهانی فراهم خواهد کرد. در این میان ترکیه تلاش‌های وافری را انجام می‌دهد تا بتواند با کشورهای منطقه و به خصوص کردستان عراق که شرایط ویژه‌ای برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه دارد و می‌تواند نیازهای ترکیه در بخشهای مختلف اقتصادی و بخصوص انرژی را بر طرف نماید برقرار کند و در این راستا در تلاش است تا به هر نحو ممکن بر رقیب سنتی خود برای حضور و نفوذ در کردستان عراق یعنی ایران پیشی بگیرد. به طور کلی می‌توان گفت که ترکیه در منطقه کردستان عراق دارای منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای می‌باشد. در این راستا، ترکیه برای دستیابی به هر یک از منافع مذکور، از ابزارهای متعددی در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد (کتابی، ۱۳۹۲: ۲۳).

به طور مثال در سال‌های اخیر شرکت‌های انرژی وابسته به دولت ترکیه و شرکت‌های خصوصی این کشور به طور مستقیم در شش میدان نفتی و گازی منطقه کردستان عراق سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین بازیگر اصلی در تلاش‌های اکتشاف نفت در منطقه کردستان عراق در سال‌های اخیر ترکیه بوده‌است. وجود منابع عظیم انرژی در کردستان عراق موجب شده تا ترکیه

با قدرت از ثبات در این منطقه حمایت کند چرکه انتقال انرژی و افزایش همکاری در حوزه انرژی، بیش از هر چیز، نیازمند صلح و ثبات است. از سوی دیگر، ترکیه با هدف تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی منطقه، در تلاش است ترانزیت نفت عراق را هم در راستای این راهبرد تعریف کند (کاکایی، ۱۳۹۱: ۱۲). از طرف دیگر بخش بزرگی از تاریخ روابط ترکیه و ایران را که دو کشور قدرتمند و صاحب نفوذ در منطقه و جهان اسلام هستند، رقابت های سیاسی و اقتصادی تشکیل می دهد. هرچند پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، اراده های جدی تری برای همکاری بین دو کشور به وجود آمده، اما رقابت ها ی سنتی بین دو کشور همچنان باقی است و تنها شکلی معتدل تر و عقلایی تر به خود گرفته است. در حوزه کردستان عراق نیز ایران و ترکیه ملاحظات متعارضی با یکدیگر دارند که در ذیل به برخی از آنها اشاره میشود:

#### ۱۰-۱- رقابت سیاسی با محوریت الگوی نظام سیاسی

ترکیه برخلاف دهه های پیش، سعی می کند در منطقه و جهان اسلام، نقش محوری ایفا کند. در این رویکرد، ترکیه هم بر برتری الگوی سیاسی خویش تأکید دارد و هم تلاش می کند خود را کانون سیاسی خاورمیانه و جهان اسلام معرفی کند. بسیاری از تحلی لگران این سیاست را که تا حدودی از هویت تاریخی ترکیه نشئت می گیرد، نوعثمانی گرایی نامیده اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، الگوی نظام سیاسی ترکیه را در چارچوب الگوی حکومتی غرب تحلیل می کند و مخالف نهادینه شدن آن در جهان اسلام، به خصوص در کردستان عراق است. از سوی دیگر، ایران الگوی حکومتی خود را متناسب با ارزش های اسلامی و بومی خاورمیانه و جهان اسلام می داند که عملیاتی شدن آن با روحیه بومی و اسلامی مردم عراق سازگار است. جمهوری اسلامی معتقد است در حوزه تمدن اسلامی، باید املقری باشد و این جایگاه و مرکزیت، قابل واگذاری به کشوری دیگر نیست. این رویکرد، در مقابل پندار ترکیه مبنی بر تبدیل شدن به مرکز در جهان اسلام قرار داد.

#### ۱۰-۲- رویکرد ترکیه در قبال شیعیان

ترک ها به صورت ضمنی نگران قدرت گرفتن شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی ایران در عراق و به خصوص منطقه کردستان هستند. به گمان تر کهها، قدرتمند شدن این طیف بر تضادهای داخلی و منطقی های به خصوص در کردستان عراق خواهد افزود. از این رو، ترکیه با توجه نشان دادن به شیعیان عراق به ویژه شیعیان منطقه کردستان (که حدود ۶۰۰ هزار نفر هستند)، سعی دارد از طیف سکولار و معتدل شیعیان عراق که خواهان آشتی با اهل سنت ترکیه هستند، حمایت کند. در مقابل، ایران از گروه های مذهب گرای شیعی حمایت می کند و ادامه آن را مفید می داند. این دو رویکرد در قبال شیعیان عراق، بین دو کشور ناهمسو تلقی می شود.

#### ۱۰-۳- موقعیت راهبردی و شاخص های ژئوپلیتیک

موقعیت راهبردی (به ویژه توان بالای کردستان عراق برای تولید نفت و رقابت با ایران) و شاخص های ژئوپلیتیک (برحسب نفوذ غرب در کردستان عراق و بافت جمعیتی کاملاً خاص این منطقه را، به نوعی می توان پاشنه آشیل ژئوپلیتیک شیعی دانست. کردستان عراق مناسب ترین منطقه برای ایجاد توازن و مهار در برابر ایران محسوب می شود. بر این اساس، در مقابل توسعه مناسبات و حوزه نفوذ ترکیه در این منطقه، هر نوع غفلت ژئوپلیتیکی ایران از این جغرافیای راهبردی می تواند با زیان های عمیقی برای دستگاه دیپلماسی ایران در خاورمیانه همراه باشد. غفلت ژئوپلیتیکی را می توان کوتاهی یا ناتوانی دولت ها از استفاده از تعلقات ژئوپلیتیکی در فضا های سیاسی - جغرافیایی برای تقویت منافع ملی و انبساط فضایی حوزه نفوذ جهت نقش آفرینی فعال در نظام ژئوپلیتیکی تعریف کرد (فلاح، ۱۳۹۱: ۸).

#### ۱۰-۴- فعالیت های اقتصادی در منطقه کردستان عراق

امروزه ترکیه با استفاده از راهبرد ارتباط اقتصادی با شمال عراق (منطقه کردستان) در بستر تعمیق مناسبات دوجانبه تبدیل به بزرگترین سرمایه گذار اقتصادی در این منطقه شده است و روابط گسترده تجاری و اقتصادی بین ترکیه و کردستان عراق وجود دارد که از سرمایه گذاری در صنعت نفت به خصوص در عمیدان بزرگ نفتی و گازی گرفته تا ساخت و تکمیل کارخانجات و فعالیت های بازرگانی و گمرکی و حمل و نقل کردستان عراق را شامل می شود و البته مقامات کردستان عراق نیز برای خروج از بن بست های سیاسی و اقتصادی موجود و برای دست یافتن به منابع درآمدی بیشتر و جذب سرمایه های خارجی و کسب

استقلال مالی هر چه بیشتر از دولت مرکزی عراق از هرگونه توسعه مناسبات اقتصادی و سرمایه گذاری ترکیه در این منطقه بشدت استقبال می کنند و لذا لازم است ایران نیز اقتدار کامل اقتصادی خود را در کردستان عراق حفظ کند تا در این عرصه از ترکیه عقب نماند. ایران می تواند در سایه تعمیق مناسبات تجاری و ترانزیتی با این منطقه، به عنوان حلقه اتصال کردستان عراق با حوزه های اقتصادی قفقاز - آسیای مرکزی، شرق و جنوب آسیا و حوزه اقتصادی خلیج فارس نقش آفرینی کند (فلاح، ۱۳۹۱: ۹).

#### ۱۰-۵- فعالیت های ترانزیتی و حمل و نقل

بدیهی است اساس پایداری و دوام در هر سیستم بی ن المللی، در بستر وابستگی متقابل در زمینه های مختلف بین بازیگران اصلی شکل می گیرد. این اصل اکنون بخشی از دکترین سیاست خارجی آنکارا در قبال کردستان عراق است و موفقیت خوبی نیز دارد. مه مترین دلیل برای این ادعا، نگرش ویژه کردهای عراقی به موقعیت مواصلاتی ترکیه در مسیر بازارهای اروپایی است. این موضوع باید در ارتباط با پیشبرد سیاست خارجی ایران در کردستان عراق نیز مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر ایران در ارتباط با تنگه راهبردی ترانزیتی هرمز و سواحل شمالی خلیج فارس از جایگاه ویژه مواصلاتی برخوردار است. بنابراین، با توجه به تنگنای ژئوپلیتیکی موجود در کردستان عراق برای دسترسی مستقیم به آب های آزاد، تخصیص فضای آزاد تجاری از سوی ایران در سواحل خلیج فارس جهت تشکیل نوعی بازار مشترک با این منطقه در زمینه تبادل کالاها، خدمات و تکنولوژی، اتصال خطوط انتقال انرژی، استفاده از تسهیلات مشترک بندری، اتصال خطوط کشتیرانی و حمل و نقل هوایی، رفع محدودیت های گمرکی و مواردی از این قبیل می تواند زمینه های وابستگی متقابل و تعمیق مناسبات در تمامی زمینه ها را بین ایران و این منطقه فراهم کند (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۰).

#### ۱۱- دردهای ایران و ترکیه در زمینه قومیت کردی عراق

شمال عراق در نگرش کلان و استراتژیک ترکیه و ایران بخشی جدایی ناپذیر از مناطق جغرافیایی تحت حاکمیتشان است. این منطقه ژئوپلیتیک در امتداد مناطق کردنشین واقع در ایران و ترکیه قرار دارد و به همین دلیل نیازمند فرآیند نظارت و سازمان دهی است. چنانچه شمال عراق از کنترل خارج شود عامل تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه و ایران به شمار خواهد رفت. ایران و ترکیه معتقدند انجام همه پرسی و استقلال کردستان عراق مشکلات متعددی برای این دو کشور ایجاد می کند و احتمالاً منجر به مطرح شدن مطالباتی برای بر خور داری از خودمختاری و در نهایت تشکیل کشور مستقل از سوی کردهای ترکیه و ایران خواهد شد. ایران به دلیل این دغدغه مخالفت صریح و شدید خود را با همه پرسی کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی (۳ مهر ۱۳۹۶ خورشیدی) اعلام نمود. این موضع اساساً با مساله امنیت ملی گره خورده است. کما اینکه، استقلال اقلیم مشکلات و موانع متعددی بر سر راه نفوذ و نقش آفرینی ایران در منطقه ایجاد می کند و چه بسا این تحول حتی تجزیه عراق را به دنبال داشته باشد. ایران از طریق کانال های متعدد و چهره های با نفوذ در سطوح گوناگون برای جلوگیری از برگزاری این همه پرسی تلاش کرد. حکومت در این راستا همه روابط و مناسبات و نفوذ خود را به کار گرفت. سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس برای تغییر دیدگاه کردها درباره انجام همه پرسی کوشید (بارک، ۲۰۰۵: ۶).

کما اینکه ترکیه و ایران به دلایل ژئو امنیتی با تشکیل کشوری مستقل در اقلیم کردستان مخالفت می کنند. استقلال کردستان موجب به هم خوردن توازن امنیتی و نظامی کنونی در منطقه می شود. ضمناً برپایی این کشور نوپا در نزدیکی مرزهای دو کشور با توجه به مناسبات اسرائیل و اقلیم کردستان نگرانی ترکیه و ایران در خصوص حضور اسرائیل در مرزهایشان را به دنبال دارد. ترکیه و ایران در این شرایط از ایجاد ناامنی و بی ثباتی ناشی از همسایگی اسرائیل بیم دارند. ترکیه به شدت از استقرار حزب کارگران کردستان در کوه های قندیل واقع در شمال عراق و منطقه سنجار تا سلیمانیه و عبور و مرور آزادانه این نیروها بین اقلیم کردستان و سوریه نگران و بیمناک است. نفوذ سیاسی و نظامی حزب کارگران کردستان با ایجاد پناهگاه امن در اقلیم کردستان افزایش پیدا می کند. البته روابط کنونی حکومت اقلیم و حزب کارگران کردستان تیره و تار است. حکومت اقلیم بنا به دستور ترکیه (قبل از برگزاری همه پرسی) و به منظور کاهش نقش آفرینی حزب کارگران کردستان محدودیت هایی برای اعضای آن در نظر گرفته بود. ایران هم از این مساله نگران است که کردستان عراق بعد از اعلام استقلال

به کانون نفوذ گسترده دشمنان ایران تبدیل شود و در نتیجه امنیت ملی ایران در معرض تهدید مستقیم قرار خواهد گرفت. این مساله در کنار طرح های آمریکا و اسرائیل برای تجزیه کشورهای منطقه و تبدیل شدن آنها به چندین کشور درگیر جنگ موجبات نگرانی ایران را فراهم کرده است. البته چنین سناریویی باعث برقراری ثبات در اسرائیل می شود.

ترکیه رویکرد عراق در مناسبات اقتصادی با اقلیم کردستان را در پیش گرفت و این موجب قدرت گیری و ارتقای جایگاه اقتصادی اقلیم کردستان در شش سال اخیر شد. برخی آمارها میزان مبادلات بازرگانی عراق و ترکیه در سال ۲۰۱۴ میلادی (۱۳۹۳ خورشیدی) ۱۴ میلیارد دلار برآورد کردند که ۹ میلیارد دلار آن به مناسبات تجاری عراق و اقلیم کردستان اختصاص دارد. (۳۰۰۰) شرکت و موسسه اقتصادی در اقلیم کردستان فعالیت می کنند. کنسولگری ترکیه در اربیل اداره امور اقتصادی را بر عهده دارد. انتقال کالا از ترکیه به اقلیم از طریق گذرگاه مرزی و مهم ابراهیم خلیل و چندین گذرگاه مرزی غیر رسمی در اقلیم انجام می شود. چندین پایگاه نظامی در مناطق دیگری در استان دهوک و به ویژه در مناطق کانی ماسی و سرسنگ و بعشیفه و غیره مستقر هستند. ۱۲۰۰ نیروی نظامی ترکیه با تسلیحات سبک و متوسط از سال ۱۹۸۳ میلادی (۱۳۶۲ خورشیدی) در اقلیم کردستان حضور دارند. ترکیه و اقلیم کردستان در زمینه آموزش و افزایش ظرفیت های رزمی پیشمرگه (نیروهای دفاع از اقلیم) توافقنامه امضا کردند. اما بعد از برگزاری همه پرسی کنسولگری ترکیه تا اطلاع ثانوی تعطیل شد. ترکیه برای فشار به حکومت اقلیم و جلوگیری از انجام همه پرسی و اعلام استقلال به رویکرد مناسبات اقتصادی عراق آمیز روی آورد (پارک، ۲۰۰۵: ۱۲).

در حالیکه نفوذ ایران در استان سلیمانیه به وضوح قابل مشاهده است نفوذ ترکیه به دو استان دهوک و اربیل محدود شده است. ایران از تاثیر اقتصادی بسزایی در اقلیم کردستان برخوردار است. میزان مبادلات بازرگانی ایران و اقلیم به نزدیک ۵ میلیارد دلار می رسد. ایران در سلیمانیه با نقش آفرینی و نفوذ سیاسی به رویکرد برخی احزاب سیاسی مثل جنبش تغییر و حزب اتحادیه میهنی کردستان جهت می دهد. روابط بین سلیمانیه و بغداد بر خلاف مناسبات اربیل و دهوک با بغداد خوب است. حزب دموکرات کردستان در سلیمانیه از نفوذ بسیاری برخوردار است. گذرگاه مرزی مهمی در سلیمانیه در مرز ایران وجود دارد. این گذرگاه شریان اقتصادی سلیمانیه و مناسبات بازرگانی اقلیم کردستان به طور عام به شمار می رود. ایران بعد از برگزاری همه پرسی تهدید کرد اقداماتی در راستای مهار بلندپروازی های اقلیم اجرا می کند. از این رو، نیروهای سیاسی کرد در سلیمانیه دچار بی ثباتی و تناقض و دو دستگی شدند. اما به هر حال، نیروهای سیاسی کرد با توجه به منافع خود نمی خواستند اعتبارشان با نادیده گرفتن مساله استقلال و حق تعیین سرنوشت زیر سوال برود. این نیروها معتقد بودند که مخالفت با برگزاری همه پرسی با توجه به موج عظیم ملی گرایی در کردستان خیانت ملی به مساله کردها بوده و در نهایت به از دست دادن کرسی های پارلمان چه در اقلیم کردستان و چه در عراق منجر می شود. کما اینکه تن دادن به همه پرسی به روابط سلیمانیه و ایران ضربه می زند (المعموری، ۲۰۱۷: ۱).

## ۱۲- آینده قومیت کردی با توجه به موضع ایران و ترکیه

اقلیم کردستان بعد از اعلام استقلال گرفتار شرایط دشواری شده است. آرمان کردها برای تشکیل دولت کرد با مشکلات و چالش های متعدد داخلی و خارجی روبرو است. چندین گزینه و مشکل اصلی را می توان برای آینده اقلیم کردستان متصور بود:

### ۱-۱۲ موانع داخلی بر سر راه تشکیل دولت کردی:

اقلیم کردستان با چند مشکل اصلی در ارتباط با مساله استقلال مواجه است. در اینجا می توان به مهم ترین چالش های داخلی برای تشکیل کشور کردستان در شمال عراق اشاره نمود:

#### الف- احتمال تجزیه و تغییر دوباره مرزهای جغرافیایی بر اثر چند پارگی سیاسی و اداری:

نیروهای سیاسی کرد به طور عام بر لزوم تداوم طرح مطالبات خود برای دست یابی به حق تعیین سرنوشت ملت کرد و اعلام یک کشور مستقل کردی اتفاق نظر دارند. این خواسته ها آرمان و آرزوی چندین دهه کردها هستند. اما اختلاف نظر نیروهای سیاسی کرد می تواند آغازی بر پایان این آرمان و برپایی کشور مستقل و دست آخر تجزیه باشد چه اینکه اقلیم کردستان هم

اکنون درگیر اختلافات اداری و سیاسی و جغرافیایی و حزبی بین گروه های مختلف بوده که می تواند به تشکیل دو سیستم مستقل اداری و سیاسی در اقلیم منتهی شود (خاروداکی، ۱۳: ۲۰: ۵۹).

ب- مطالبات غیر یکدست احزاب: هرچند توده های مردمی کردستان در راه دست یابی به حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت کردی به شدت متحد هستند. که البته یک خواسته ملی در اقلیم کردستان است. اما با این حال، اوضاع سیاسی کردستان عراق گویای واقعیت دیگری است. اختلاف نظر بین نیروهای سیاسی و جبهه بندی های سیاسی بر طرح تشکیل کشور مستقل تاثیر گذاشت. گروه های سیاسی درباره زمان اجرای همه پرسی و اعلام استقلال کردستان و گسسته شدن نهایی روابط اربیل و بغداد دیدگاه های متفاوتی داشتند. مصطفی بارزانی حزب دموکرات کردستان عراق را در سال ۱۹۴۶ میلادی (۱۳۲۵ خورشیدی) پایه ریزی کرد. این حزب که در استان های دهوک و اربیل از نفوذ گسترده ای برخوردار است طرح همه پرسی را به طور مستقیم در سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۲ میلادی) مطرح نمود و از همه پرسی به عنوان اولویت اصلی در برنامه های حزبی خود یاد کرد. اتحادیه میهنی کردستان که رهبر سابق آن مرحوم جلال طالبانی رئیس جمهور سابق عراق بود دیدگاه تقریباً مغایری داشت. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بر سر زمان همه پرسی و اعلام تشکیل کشور مستقل و انجام اقدامات لازم برای برگزاری همه پرسی به دلیل شرایط کنونی اقلیم کردستان و تهدید آفرین بودن قدرت های منطقه ای برای اقلیم دیدگاه های کاملاً مغایری با یکدیگر داشتند. اتحادیه میهنی کردستان بر این باور بود که آرمان حزب دموکرات کردستان با واقعیت موجود فاصله زیادی دارد. به گفته اتحادیه میهنی رهبران حزب دموکرات کردستان به دنبال احیای مجد و عظمت گذشته و نادیده گرفتن منافع ملت کرد هستند. با این حال اما اتحادیه میهنی کردستان با توجه به موج ملی گرایی توده های مردم کردستان و نگرانی از اینکه مخالفت با همه پرسی به عنوان خیانت به مساله کردها تعبیر شود با برگزاری همه پرسی موافقت نموده اما رهبران این حزب بارها اعلام کردند که این همه پرسی به دلیل پافشاری مسعود بارزانی بر ماندن در قدرت به نتیجه نخواهد رسید (الصمادی، ۲۰: ۱۷: ۱).

ج- بی اعتمادی به مجریان همه پرسی: جنبش تغییر (گوران) یکی از ارکان اصلی احزاب سیاسی اقلیم کردستان عراق است. این حزب ضمن ابراز مخالفت با برگزاری همه پرسی استدلال کرد که این اقدام به مصلحت اقلیم نبوده و تنها منجر به افزایش محبوبیت مسعود بارزانی رئیس جمهور سابق که دیگر مورد اعتماد احزاب دیگر نیست می شود. گوران اجرای همه پرسی را تلاشی برای مشروعیت زایی بارزانی و ابقای وی برای مدت بیشتری در مسند قدرت خواند. نیروهای سیاسی دیگری همچون جماعت اسلامی و احزاب کوچک مخالفت خود را با همه پرسی در موعدهای مقرر اعلام کردند و گفتند زمان اجرای آن متقاعد کننده نیست اما همه گروه های مخالف همه پرسی در آخرین دقایق از موضع خود کوتاه آمده و در همه پرسی شرکت کردند.

د- مدیریت چند گانه در منطقه کوچک جغرافیایی: اوضاع سیاسی اقلیم کردستان عراق گویای این است که دو مدیریت اصلی شکل گرفته که اولی در اربیل و دهوک و دومی در سلیمانیه و حلبچه و بخش هایی از کرکوک است. کرکوک تحت کنترل حزب اتحاد ملی قرار دارد. سلیمانیه با اعمال فشار قدرت های منطقه ای به ویژه ایران با ابراز مخالفت با اجرای همه پرسی این اقدام را بر خلاف منافع اقلیم در وقت کنونی خواند.

ه- تعمیق اختلافات میان گروه های کرد از طریق ابزارهای منطقه ای: نفوذ اقتصادی و روز افزون ترکیه در اربیل و دهوک و نفوذ ایران در سلیمانیه و حلبچه منجر به تعمیق شکاف و اختلافات در گروه های کرد عراق شد. ایران و ترکیه از این طریق به دنبال جلوگیری از اتحاد و یکپارچگی کردها و تشکیل کشور مستقل و تقویت اقلیم کردستان در آینده بودند.

## ۱۲-۲- چالش های منطقه ای و بین المللی

دیدگاه ترکیه و ایران در کنار عدم حمایت برخی قدرت های جهانی بر ناکامی کردها برای تشکیل کشور مستقل موثر بود. در اینجا می توان به مجموعه ای از موانع منطقه ای و بین المللی اشاره نمود:

الف- احاطه کامل جغرافیایی: در یک نگاه تحلیلی به واقعیت های ژئوپلیتیکی حاکم بر کردستان عراق می توان پی برد که کردستان با برخورداری از شرایط نامساعد جغرافیایی بین ایران و ترکیه و سوریه و عراق واقع شده است. کردستان با توجه به عدم برخورداری از گذرگاه مرزی دریایی نمی تواند کشور مستقلی در شرایط عینی و واقعی تشکیل داده و محاصره کشورهای

همسایه و مخالف با بر پایی کشور مستقل در کردستان عراق را بشکنند. اقلیم کردستان بر اثر همین موقعیت جغرافیایی با چالش‌های فراوانی روبرو است. عبور و مرور کالا و مبادلات اقتصادی اقلیم تنها از طریق کشورهای مخالف استقلال کردستان انجام می‌شود. اقلیم کردستان با اعلام استقلال بسیاری از مزایای اقتصادی و سیاسی کنونی را از دست داده و با توجه به بحران اقتصادی اقلیم بعد از ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۸۲ خورشیدی) و کاهش قیمت نفت و جنگ مستقیم کردها با داعش و تبعات و هزینه‌های هنگفت ناشی از جنگ به تدریج این اقلیم به پرتگاه فروپاشی نزدیک می‌شود.

ب- شرایط نامساعد جغرافیایی منشا اوضاع اقتصادی نامناسب: اشاره به این نکته ضروری است که منابع اقتصادی در دسترس در یک محیط جغرافیایی بسته بی ارزش بوده چرا که دولت در شرایط بحرانی که احتمالاً کردها بعد از تشکیل کشور مستقل گرفتار آن می‌شوند توانایی بهره‌برداری و بازاریابی ندارد. کمک‌ها و حمایت‌های مالی هم در این شرایط ارزش چندانی ندارند چرا که حکومت اقلیم یا کشور کردستان قادر به وارد کردن کالاها و خدمات مورد نیاز نخواهد بود. به این عامل باید مسیرهای ناهموار زمینی را هم افزود (استوارت، ۲۰۱۷: ۱).

ترکیه و ایران به مساله کردها در عراق به عنوان یک مساله داخلی نگاه می‌کردند. از این رو، مرزهای جغرافیایی در نگرش حاکم بر امنیت ملی ترکیه و ایران مانعی برای تعامل با این مساله به شمار نمی‌روند. در سیاست راهبردی ترکیه و ایران روش‌های گوناگونی برای تسلط و مهار اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی اقلیم کردستان در راستای جلوگیری از تشکیل کشور یکپارچه و مستقل در نظر گرفته شده است.

ج- مخالفت جهانی: به استثنای استقلال سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۹۰ خورشیدی) که با حمایت گسترده جامعه بین‌الملل همراه بود مرزهای جغرافیایی بعد از ترسیم آنها توسط قدرت‌های استعماری تغییر نیافته است. قدرت‌های استعماری بعد از معاهده سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ میلادی (۱۲۹۵ خورشیدی) همواره بر این منطقه تسلط داشته‌اند. با این نگاه می‌توان نتیجه گرفت که فروپاشی رژیم‌های سیاسی و ظهور حکومت‌های نوپا در عراق و سوریه و کشورهای دیگر منجر به تغییر گسترده مرزهای جغرافیایی نشده است و این به این معناست که قدرت‌های بزرگ در وقت حاضر تمایلی واقعی به تطبیق پروژه‌هایی از این قبیل ندارند. به این دلیل هم تمایل اقلیم کردستان برای برگزاری همه‌پرسی و بستر سازی برای استقلال از عراق با مخالفت‌های گسترده جامعه بین‌الملل همراه بوده است. اما مخالفت و اعتراض آمریکا به همه‌پرسی کردستان به دلیل منافع متناقض نهادهای رسمی آمریکا چندان قاطعانه نبود. به عنوان مثال، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از زبان سخنگوی کاخ سفید با ابراز مخالفت با همه‌پرسی و استقلال به شکل ضمنی خواستار لغو و نه تعلیق همه‌پرسی شد. او گفت که در این ماجرا از هیچ طرفی جانب‌داری نمی‌کند. وزارت خارجه آمریکا هم با مخالفت سفت و سخت تا روز برگزاری همه‌پرسی و چند روز بعد آن خواستار انجام مذاکرات سیاسی به جای اقدامات یکجانبه شد. به گفته این نهاد آمریکا این همه‌پرسی پیروزی نظامی در برابر داعش را کم‌رنگ و بی‌اثر می‌کند. کنگره آمریکا بر اثر فشار لابی کرد در واشنگتن و لابی اسرائیل حمایت خود را از تشکیل کشور کردستان و همه‌پرسی اعلام کرد. اسرائیل هم از کشورهای موافق همه‌پرسی بود.

دیدگاه اتحادیه اروپا و روسیه و چین و بریتانیا و کشورهای عربی به شکل عام هم تقریباً یکسان بود. همه این کشورها خواستار دست کم گفت و گو و عدم اتخاذ اقدامات یکجانبه شدند، چه همین اقدامات بستر ساز بازگشت گروه‌های مسلح یا وقوع درگیری نظامی و جنگ داخلی در سایه حضور بازیگران موثر منطقه‌ای در این مساله خواهد بود. خلاصه می‌توان گفت همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق مورد تایید مستقیم جامعه بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ و سازمان ملل و دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار نگرفت. اسرائیل تنها کشوری بود که حمایت علنی و صریح خود را از همه‌پرسی اعلام کرد (استوارت، ۲۰۱۷: ۲).

### ۱۲-۳- گزینه‌های پیش رو

با توجه به مشکلات داخلی و خارجی اقلیم کردستان در برگزاری همه‌پرسی و پیامدهای آن دو گزینه احتمالی را می‌توان در چشم‌انداز اقلیم کردستان متصور بود:

**الف-تشکیل کشور کردستان:** با توجه به محیط جغرافیایی اقلیم کردستان و موقعیت جغرافیایی کوهستانی و ناهموار اقلیم محاصره و فروپاشی این حکومت به محض اعلام تشکیل کشور مستقل دشوار نخواهد بود. تحرکات هماهنگ ایران و ترکیه منجر به فروپاشی اقتصادی و سیاسی اقلیم کردستان شده است. ضمناً نیروهای نظامی کرد هم در اولین درگیری نظامی میان نیروهای حکومت فدرال عراق و نیروهای پیشمرگه کردستان عراق شکست خوردند.

البته احتمال تشکیل کشور کردستان به چند شرط وجود دارد. کردها باید با ارتباط با دنیا بر موقعیت جغرافیایی خشن و محاصره خود غلبه کنند. به باور نویسنده، اقلیم کردستان حتی در صورت برخوردار بودن از این شروط و تشکیل بنیان های سازمانی و سیاسی و نظامی نمی تواند در عرض ۵ تا ۱۵ سال آینده کشور مستقل تشکیل دهد. برپایی کشور کردستان ارتباط تنگاتنگ با محیط منطقه ای دشوار و متناقضی دارد که در آن دو قدرت منطقه ای (ترکیه و ایران) واقع شده است.

شرط دوم همان تضعیف و نرم شدن موضع ایران و ترکیه است. اقلیم کردستان در چنین شرایطی می تواند از فضای حیاتی و اطراف خود یعنی ترکیه و ایران و سوریه پا گرفته و ابراز وجود کند.

**ب- صرف نظر کردن از رویای تشکیل کشور:** همه شواهد حاکی از این است که تشکیل کشور مستقل کردستان با استقبال و حمایت کشورهای همسایه روبرو نمی شود. مردم اقلیم کردستان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ خورشیدی) از رفاه نسبی برخوردار بودند. درآمد شهروند کرد ۶ برابر شد. حالا مردم کردستان می دانند که توان تحمل محاصره و انزوای احتمالی توسط کشورهای همسایه را ندارند. با بررسی اظهارات مقام های اقلیم کردستان بعد از همه پرسی می توان به وضوح دریافت که احتمال کنار گذاشتن گزینه استقلال وجود دارد. مسعود بارزانی رئیس سابق اقلیم اعلام کرد که هر گونه مجازات احتمالی باید تنها شامل حال بارزانی شود و نه مردم کردستان. مقام های اقلیم کردستان بارها و بارها درباره لزوم مذاکره و گفت و گو برای حل این مساله سخن گفتند. کار به جایی کشید که مسعود بارزانی رئیس سابق اقلیم کردستان آمادگی خود را «به طور غیر مستقیم» برای تعلیق همه پرسی در راستای جلوگیری از محاصره و بحران اقتصادی در اقلیم کردستان عراق ابراز کرد (حمید، ۲۰۱۷: ۲۸). آنچه پیداست رویای تشکیل کشور مستقل کردستان در کوتاه مدت رو به زوال و نابودی است. این رویا با توجه به اوضاع کنونی و به دنبال عملیات نظامی ارتش عراق و تسلط بر بخش های گسترده ای از «مناطق مورد اختلاف» دست نیافتنی است. مناطق مورد اختلاف بعد از ۲۰۰۴ میلادی (۱۳۸۳ خورشیدی) تا چند ماه قبل از برگزاری همه پرسی در کنترل اقلیم کردستان قرار داشتند. اقلیم کردستان مناطق استراتژیک مهمی را از دست داد. به دنبال این تحول و پیامدهای سیاسی و نظامی و استراتژیک آن مسعود بارزانی رئیس پیشین اقلیم کردستان با کناره گیری از مقام خود اختیارات خود را به رئیس مجلس و نخست وزیر واگذار کرد. نقش ایران و ترکیه چه در عملیات نظامی مورد حمایت کشورهای منطقه و جهان و چه در زمینه سازی برای توافق و معاملاتی در راستای خروج حزب اتحادیه میهنی از کرکوک کاملاً آشکار است.

### ۱۳- نتیجه گیری

یکی از بزرگترین گروه های جمعیتی خاورمیانه کردها می باشند که، امروزه در جنوب غربی آسیا و به طور عمده در داخل کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه و بخش کمی هم در جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی قرار دارند. در این میان کردستان عراق از موقعیت مرکزی تری نسبت به دیگر بخش های کردستان برخوردار می باشد و موقعیت و جایگاه ویژه ای دارد. به همین دلیل برخی آن را «کردستان میانه» نیز می نامند. تغییر و تحولات در سطح جهان و در دنیای سیاست همیشه در حال رخ دادن می باشد. این تغییر و تحولات به همدیگر وابسته بوده و هر تغییر و تحولی که در یک گوشه از جهان اتفاق می افتد، بر تحولات سایر مناطق جهان اثر می گذارد. تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی مناطق کردنشین نیز عمدتاً به هم مرتبط بوده و بر همدیگر تأثیر گذاشته اند. به همین نحو، کردستان عراق به دلیل موقعیت مرکزی که دارد، تأثیر بیشتری بر دیگر قسمت های کردستان داشته و بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته است. حمله نظامی امریکا به عراق و سقوط حکومت صدام، زمینه ساز تحولات جدیدی در این کشور و بخصوص کردستان عراق شد؛ به طوری که کردستان عراق در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... دچار تغییر و تحول شد و در این مدت پیشرفت بی سابقه ای را در زمینه های مختلف تجربه نمود.

بازتاب وقایع و تحولات روی داده در کردستان عراق سبب تأثیرگذاری بر مناطق اطراف بخصوص مناطق کردنشین شده است. پژوهش و بررسی در مورد تحولات اخیر کردستان عراق به عنوان یکی از همسایگان ایران که از مرزهای مشترک طولانی با کشورمان برخوردار است و علاوه بر آن دارای ویژگی های مشترک زبانی و فرهنگی با مناطق غربی ایران می باشد، مهم و ضروری می باشد به همین خاطر شناخت و آگاهی از تأثیر این تحولات بر مناطق کردنشین می تواند در امر برنامه ریزی و اهداف امنیتی کشور مفید و مؤثر واقع شود. تحولات در کردستان ایران بیشتر بر جنبه های اقتصادی و فرهنگی مردم کرد تأثیر گذاشته، در حالی که تأثیر آن بر مناطق کردنشین ترکیه بیشتر در جنبه های سیاسی و نظامی بوده است.

روابط سیاسی اقتصادی کردستان عراق و ترکیه در سال های اخیر روند رو به رشدی داشته است و ترکیه بر خلاف مواضع تند سال های نه چندان دور خود در قبال کردستان عراق در تلاش است تا به هر طریق ممکن نفوذ خود را در زمینه های مختلف در این منطقه افزایش دهد و البته این کوشش و تمایل از سمت کردستان عراق به سمت ترکیه نیز به دلایل مختلف در سال های اخیر تقویت شده است. وجود مولفه های گوناگونی از قبیل داشتن مرزهای مشترک، مسائل مربوط به کردها، مسائل مذهبی، موضوع انرژی، مسائل اقتصادی و حمل و نقل می توانند از مهمترین عوامل در برقراری روابط حسنه بین ایران و ترکیه و کردستان عراق باشند و از طرف دیگر موضوعهای مربوط به سوریه، فعالیت احزاب و گروههایی مانند پ.ک.ک، ارتباط و نزدیکی ترکیه و کردستان عراق با امریکا، نفوذ اسرائیل در ترکیه، تلاش برای کسب استقلال کامل توسط کردهای عراق و... نیز از عوامل و مولفه ها منفی تاثیر گذار بر روابط ایران با ترکیه و کردستان عراق است. با توجه به مواضع و سیاست های ترکیه در منطقه و همچنین رویکردهای کردستان عراق در سال های اخیر به نظر می رسد افزایش روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق با ترکیه باعث دوری این منطقه از ایران در زمینه های مختلف سیاسی و اقتصادی و در نتیجه به خطر افتادن منافع ایران در منطقه خواهد شد.

## منابع

۱. بشیکچی، اسماعیل، مسئله کردستان در ترکیه و عراق ترجمه محمدرفوف مرادی. ۱۳۷۸.
۲. پشنگ، اردشیر. ۱۳۹۲. تاثیر تحولات خاورمیانه بر تغییر استراتژی ترکیه در قبال کردها. سایت مرکز مطالعات صلح.
۳. پورخسروی، انیس. ۱۳۸۷. ترکیه و گرداب دگرگونی های عراق. فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۸-۲۴۷.
۴. روحی نبی اله. ۱۳۹۳. استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت. دوره ۷، شماره ۲۴، ۱۵۰-۱۰۷.
۵. قاسمی، محمدعلی. ۱۳۸۹. بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها. فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۴۷.
۶. کاکایی سیامک. ۱۳۹۱. نگرش جدید ترکیه به عراق: بررسی ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه نمای راهبردی.
۷. کتابی محمود، دهقان یداله، حیدری سولماز. ۱۳۹۲. بررسی روابط سیاسی- اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران. تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۵، شماره ۱۷، ۳۳-۱.
۸. فلاح، رحمت الله. ۱۳۹۱. راهبرد ترکیه در عراق. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان. اسلا، م سال دهم، شماره ۳۹.
۹. محبی، اعظم. ۱۳۹۲. سیاست تعادلی اقلیم. فصلنامه همشهری دیپلماتیک. شماره ۷۵.



۱۰. محرابی، علیرضا و غمپور، احمد. ۱۳۹۰. عوامل موثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه. فصلنامه ژئوپلیتیک سال ۲۱۳-۷، ۱۸۳
۱۱. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۷. «جنگ آمریکا علیه عراق و ساختار معنایی نظام بین الملل»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار. ۱۲. روزنامه شرق شماره ۳۸۰، یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۳
۱۳. والت، استفان و مواردی دیگر. ۱۳۸۷. «بررسی دو مکتب فکری: تقابل نومحافظه کاری و رئالیسم»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۹-۲۸، شهریور و مهر.
۱۴. بیل پارک: مرکز مطالعات الخلیج (ترجمه شده به عربی): سیاست ترکیه در شمال عراق.. چالش ها و چشم اندازها (سیاسات ترکیه تجاه شمال العراق.. المشكلات والافاق المستقبلية). جده. بنیاد بین المللی مطالعات استراتژیک. چاپ یکم. ۲۰۰۵. ص ۵-۶.
۱۵. علی المعموری: شیعیان عراق برای حفظ استقلال در برابر محور ایرانی در حال پیکار هستند.. ایران خود را برای مقابله با شرایط جدید آماده می کند. (شیعة العراق یصارعون لحفظ استقلالهم عن المحور الإيراني.. وإيران تستعد لمواجهة الواقع الجديد). سایت المانیوتور. ۱۸ اوت ۲۰۱۷ <http://cutt.us/YtFpe>
۱۶. ماریانا خاروداکی: خلیل الجیوسی (ترجمه شده به عربی): کردها و سیاست خارجه آمریکا.. روابط بین الملل در خاورمیانه بعد از ۱۹۴۵ میلادی (الکرد والسیاسة الخارجیة الأمريكية.. العلاقات الدولیة فی الشرق الأوسط منذ ۱۹۴۵). بیروت: انتشارات الفارابی. چاپ یکم. ۲۰۱۳. ص ۵۹.
۱۷. فاطمه الصمادی: ایران و کشور کردستان... دغدغه امنیتی و چالش های استراتژیک (ایران و «الدولة الكردیة».. مخاوف أمنيّة وتحديات استراتیجیة). سایت مرکز مطالعات الجزیره. ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷ <http://cutt.us/gTHRe>
۱۸. ویل استوارت و ادیس علی: چند دستگی در عراق آزمونی برای نفوذ آمریکا در پرتو کم رنگ شدن مبارزه با گروه دولت اسلامی (انقسامات العراق اختبار للنفوذ الأمريكي مع تقلص الحرب على الدولة الإسلامية). روتترز. ۱۷ اکتبر ۲۰۱۷. <http://soo.gd/yV6K>
۱۹. شاکر حمید: چارچوب کشور کردستان در ادبیات سیاسی ایران و ترکیه (محدّدات الدولة الكردیة فی أدبیات السیاسة الإیرانیة- التریکیة). مجله الحکمه. بغداد. شماره ۱۴۱. جلد ۱۸. اکتبر ۲۰۱۷. ص ۲۸.